

Providing a Model for Nongovernmental School Ranking With the Stakeholders and National Documents Approach

Khadijeh Bozorginezhad¹, Reza Zarei^{2*}, Mozhgan Amirianzadeh³, Mohammad Khayer⁴

1. Ph.D. Student in Educational Management, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

2. Assistant Professor Department of Educational Management, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

3. Assistant Professor Department of Educational management, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

4. Professor Department of Educational Management, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

(Received: August 22, 2019; Accepted: February 16, 2021)

Abstract

The purpose of this study was to provide a model for ranking of non-governmental secondary schools. This research was a sequential exploratory mixed strategy which was done as a case study in Shiraz. The statistical population was non-governmental schools' stakeholders of secondary schools in Shiraz including experts and public participation in education and five pillars of schools (school's principle, teachers, school council, students and parents). Sampling in the qualitative part was done by targeted method. In the quantitative part, stratified random sampling with a sample size of 333 people was used. The research tool of the qualitative part was an open interview with the participants and a library survey of Key education documents. Research tools in the quantitative part of the research were based on the findings of the qualitative part. The analysis of the qualitative data was done by using thematic analysis and statistical analysis of the quantitative part was performed through confirmatory factor analysis. The findings of the qualitative section showed that 9 criteria and 28 indices are effective in the ranking of non-governmental secondary schools. The results of factor analysis related to the quantitative part showed that proposed model the ranking model of non-governmental schools was approved. Moreover, from the perspective of the stakeholders, three scales, namely the education services, outputs and the student-related ergonomics, are to be respectively given the highest priorities so their indices can play an important role in the rating of the schools.

Keywords: National documents, Non-governmental school, Stakeholders, Thematic network.

* Corresponding Author, Email: zareireza955@gmail.com

ارائه الگویی برای رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی با رویکرد ذی‌نفعان و اسناد بالادستی

خدیجه بزرگی‌نژاد^۱، رضا زارعی^{۲*}، مژگان امیریان‌زاده^۳، محمد خیر^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
۲. استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
۳. استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
۴. استاد، گروه مدیریت آموزشی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگویی برای رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی دوره دوم متوسطه نظری با رویکرد ذی‌نفعان و اسناد بالادستی آموزش و پرورش انجام شد. این پژوهش یک راهبرد ترکیبی از نوع اکتشافی متوالی بود که به صورت مطالعه موردی در شهر شیراز انجام گرفت. جامعه آماری، ذی‌نفعان مدارس غیر دولتی شامل کارشناسان مشارکت‌های مردمی اداره آموزش و پرورش و ارکان پنج‌گانه مدارس در دوره دوم متوسطه نظری بود. انتخاب نمونه در بخش کیفی به روش نمونه‌گیری هدفمند و با تکنیک ملاک‌محور صورت گرفت. در بخش کمی از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با حجم نمونه ۳۳۳ نفر استفاده شد. ابزار پژوهش بخش کیفی، مصاحبه با مشارکت‌کنندگان و بررسی کتابخانه‌ای اسناد بالادستی و مدارک کلیدی آموزش و پرورش، و ابزار پژوهش بخش کمی پرسشنامه محقق‌ساخته بر اساس یافته‌های بخش کیفی بود. تحلیل داده‌های کیفی به روش تحلیل مضمون و تحلیل داده‌های بخش کمی با تحلیل عاملی تأییدی صورت گرفت. یافته‌های بخش کیفی نشان داد ۹ معیار و ۲۸ شاخص در رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی دوره دوم متوسطه نظری منظور شد. نتایج تحلیل عاملی مربوط به بخش کمی نشان داد مسیرهای منتهی به معیارهای رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی در الگوی پیشنهادی، مثبت و معنادار بودند. بار عاملی تک‌تک معیارها مطلوب و مقدار تی نیز بالاتر از ۱/۹۶ به دست آمد و الگوی رتبه‌بندی ارائه‌شده تأیید شد. همچنین از دیدگاه ذی‌نفعان، سه معیار خدمات آموزشی و پرورشی، بروندها و ارگونومی دانش‌آموزان به ترتیب، در اولویت‌های بالاتری قرار داشتند. در نتیجه، شاخص‌های آن‌ها می‌توانند سهم زیادی در نظام رتبه‌بندی مدارس داشته باشند.

واژگان کلیدی: اسناد بالادستی، ذی‌نفعان، شبکه مضامین، مدرسه غیر دولتی.

مقدمه

تحولات سریع و پرشتاب دنیای امروز، همراه با ظهور فناوری‌های پیشرفته موجب افزایش تعاملات اجتماعی بین ملت‌ها و ایجاد تغییر در الگوهای زندگی اجتماعی، اقتصادی و آموزشی شده است. این تحولات که نقطه شروع آن به حدود نیم‌قرن پیش برمی‌گردد، با نادیده گرفتن مرزهای جغرافیایی و شرایط اقلیمی، شرایط سیاسی و فرهنگی جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی را دستخوش تغییر کرده است.

این تحولات با افزایش آگاهی والدین، دانش‌آموزان و سایر ذی‌نفعان از محیط یادگیری، موجب افزایش و تنوع انتظارات آن‌ها از مؤسسات آموزشی شده است. به علاوه اینکه همه ذی‌نفعان بر دستیابی به اولویت‌های خود اصرار می‌ورزند. ولی به دلیل پرمخاطب بودن سازمان‌های آموزشی، تعدد طیف‌های درگیر با مدارس، پویایی مراکز آموزشی و بالابودن هزینه ایجاد فرصت‌های متنوع در مدارس، دولت‌ها توانایی لازم برای پاسخ‌گویی به انتظارات همه ذی‌نفعان را ندارند. در همین راستا، مدارس هیئت‌امنایی و مدیریت مدرسه‌محور برای همسویی با تحولات جامعه به‌وجود آمد (عبداللهی چهارده چریکی و شاهی، ۱۳۹۶).

یکی از راهکارهای مشترک اغلب کشورها در حل مشکل یادشده، فراخوانی مشارکت مردمی در اداره مدارس و سایر مؤسسات آموزشی است. هرچند که مدرسه خصوصی، بخشی از سنتی‌ترین نظام‌های منطقه‌ای است و والدین از گذشته دور با پرداخت هزینه و با در نظر گرفتن شرایط، مدرسه‌ای خصوصی را برای تحصیل فرزندان خود انتخاب می‌کنند (برندز، پریموس و اشپرینگر^۱، ۲۰۱۹). ولی در دو دهه پایانی قرن بیستم و در راستای «کوچک‌سازی نظام دولتی» بسیاری از کشورهای جهان شاهد واگذاری فعالیت‌های اقتصادی دولتی به بخش خصوصی بودند. این روند به حوزه فعالیت‌های آموزشی نیز تسری یافته و ابعاد گوناگون آن در معرض توجه و علاقه سرمایه‌گذاران خصوصی قرار گرفت. حتی بسیاری از کشورهای جهان با هدف بهبود بهره‌وری به سوی خصوصی‌سازی مدارس

1. Berends, Primus & Springer

گام برداشته‌اند (کیم^۱، ۲۰۱۸). نظام آموزشی ایران هم از این روند متأثر شد (معدن‌دار آرانی، ۱۳۹۳) و مدارس غیر انتفاعی^۲ که از سال ۱۳۵۷ به مدت ۱۰ سال تعطیل شده بودند، در سال ۱۳۶۷ مجدداً راه‌اندازی شدند. هدف اصلی این بود که مراکز آموزشی غیر دولتی بتوانند متناسب با نیازهای جامعه، خدمات و برنامه‌های متنوع و باکیفیت ارائه دهند. دولت‌ها نیز کوچک‌تر شده، فرصت کیفیت‌بخشی مدارس محروم را پیدا کنند و مسیر دستیابی به عدالت آموزشی هموار شود.

در دهه اول، مدارس به‌راحتی راه‌اندازی و شروع به کار کردند. طی سال‌های آغازین شروع به کار مدارس غیر دولتی علایق مشترکی میان دولت و سرمایه‌گذاران وجود داشت. بنابراین، از یک‌سو دولت با ارائه کمک‌های اقتصادی و حمایت‌های قانونی، مشوق تأسیس مدرسه غیر دولتی بود و از سوی دیگر، با افزایش تقاضای اجتماعی برای آموزش و رقابت برای دسترسی به آموزش باکیفیت، زمینه مساعد جذب سرمایه‌گذاران برای ورود به بخش آموزش فراهم می‌شد (معدن‌دار، کاکیا و مؤذنی، ۱۳۹۲). در این دوره دولت از طریق صدور مجوز تأسیس با حداقل امکانات، اعطای وام بدون بهره، واگذاری زمین به مؤسسين و اعزام معلم مأمور، از مدارس غیر دولتی حمایت می‌کرد. هر چند که بخش غیر دولتی در برخی کشورها محلی برای ورود سیاست، و به دنبال آن بروز اختلافات سیاسی شده است (ای، اورفیلد و تیتل^۳، ۲۰۱۸).

در دهه دوم جمعیت دانش‌آموزی کشور کاهش یافت و دولت به تدریج حمایت‌های خود را از مدارس غیر انتفاعی کاهش داد و به فکر نظارت بر کار این مدارس افتاد. بنابراین، در سال ۱۳۸۳ وزارت آموزش و پرورش شیوه‌نامه درجه‌بندی مدارس غیر انتفاعی را ابلاغ کرد. در سال ۱۳۸۷ نیز نام «مدارس غیر انتفاعی» به «مدارس غیر دولتی»^۴ تغییر داده شد (معدن‌دار، کاکیا و مؤذنی، ۱۳۹۲). از آن پس، فشار بر مؤسسان موجب شد آن‌ها از پنجره اقتصادی به مدرسه خود نگاه کنند و ملاحظات اقتصادی را در اولویت بالاتری نسبت به اهداف اولیه، یعنی عدالت آموزشی و ایجاد فرصت‌های متنوع یادگیری، قرار دهند.

1. Kim

2. Non-profit schools

3. Ee, Orfield & Teitell

4. Non-governmental schools

در دهه سوم فعالیت مدارس غیر دولتی، به دلیل تحولات جهانی و افزایش انتظارات والدین از آموزش و پرورش همچنان، مردم متقاضی مدارس غیر دولتی بودند. از یک طرف، در راستای تنوع‌بخشی به محیط یادگیری و همگام با تحولات جهانی، با تعریف جدیدتری از مدرسه مواجه شدند و از طرف دیگر، دولت به‌طور کامل حمایت‌های خود از این مدارس را قطع و اجرای بعضی قوانین تأسیس مدارس غیر دولتی تعطیل شد. بنابراین، شکاف بین عملکرد مدرسه و انتظارات جامعه شروع به خودنمایی و آشکار شدن کرد. به‌علاوه اینکه حساسیت مردم به کیفیت این مدارس افزایش یافت.

اکنون که مدارس غیر دولتی در ابتدای دهه چهارم فعالیت قرار گرفته‌اند، نگاه تجاری نسبت به این مدارس، جامعه را با چالش‌های مهمی در ارتباط با این مدارس روبه‌رو کرده است، از جمله:

- مدارس غیر دولتی با هدف کاستن هزینه‌ها، با کاهش تنوع در فرصت‌های آموزشی، روند یکسان‌سازی فعالیت‌های آموزشی، پرورشی و ارزشیابی را دنبال می‌کنند که موجب دور شدن از اهداف ایجاد مدارس غیر دولتی می‌شود.

- مشتریان بالقوه مدارس غیر دولتی اطلاعات قابل اعتمادی درباره مدارس جامعه محلی و یا سایر مناطق ندارند. بنابراین، در هنگام جست‌وجوی اولویت‌های خود و انتخاب مدرسه برای فرزندان‌شان به نقل قول‌های شفاهی و نتایج آموزشی اکتفا می‌کنند.

- بعضی مدارس غیر دولتی علی‌رغم برخورداری از استانداردهای بسیار پایین، به دلیل شفاف‌نبودن عملکرد آنها برای جامعه، تنها با تکیه بر نتایج محدود و وجهه اجتماعی کاذب که از تبلیغات کسب کرده‌اند، میزان بالایی از دانش‌آموزان را جذب می‌کنند.

- هیچ نوع مؤسسه ارزیابی‌کننده در جوامع محلی وجود ندارد و فعالیت‌هایی شامل ارزیابی عملکرد و درجه‌بندی مدارس توسط آموزش و پرورش انجام می‌شود.

نگارندگان اعتقاد دارند امروزه رتبه‌بندی^۱ مدارس می‌تواند کار شفاف‌سازی عملکرد مدرسه برای جامعه، ایجاد حساسیت در جوامع محلی و ایجاد نیروی محرکه برای دستیابی به عدالت آموزشی را انجام دهد و تا حد زیادی از اثرات منفی چالش‌های یادشده بکاهد. ضمن اینکه مزیتی رقابتی برای

مدرسه باشد. مزیت رقابتی، مجموعه عوامل یا توانمندی‌هایی است که همواره سازمان را به نشان دادن عملکرد بهتر از رقبای قادر می‌کند و برای رقبای دیگر به راحتی قابل دسترسی نیست. به باور دلپراتو و چادگار^۱ (۲۰۱۸) ویژگی‌هایی چون رقابت، استقلال اداری، گزینش کارکنان، مسئولیت‌پذیری و شیوه پاسخ‌گویی از مزایا و تفاوت‌های بارز و چشمگیر مدارس غیر دولتی عنوان شده است. رتبه‌بندی با ارائه شفافی از مدرسه در معیارها و شاخص‌های متعدد به والدین دانش‌آموزان کمک می‌کند، تا بتوانند به راحتی اولویت‌های خود را بیانند. همچنین، معیاری برای سنجش توانایی‌ها به حساب می‌آید و می‌تواند چراغ راهنما برای آگاهی از ضعف‌ها، قوت‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها شده و مسیر رشد و توسعه را به مدیران و برنامه‌ریزان نشان دهد (خانی‌زاد و منتظر، ۱۳۹۶). رتبه‌بندی به ما یادآوری می‌کند که کجای جهان قرار داریم و در این میان، به دلیل بنیادی بودن و اهمیت آموزش، رتبه‌بندی مراکز آموزشی از اهمیت خاصی برخوردار است (هوران و اورگان^۲، ۲۰۲۱).

اطلاعات حاصل از رتبه‌بندی مدارس را می‌توان به عنوان منبع اطلاعاتی قوی، بی‌طرفانه و مورد اعتماد در نظر گرفت و می‌تواند به والدین کمک کند تا انتخاب آگاهانه‌ای برای مدرسه فرزندان خود داشته باشند (حسنی و همکاران، ۱۳۹۶). مسئولیت رتبه‌بندی می‌تواند بر عهده ارکان اصلی مدرسه یا سازمان‌های متعدد در جامعه محلی، ملی و جهانی باشد. همچنین، یک مدرسه می‌تواند در چندین نوع رتبه‌بندی قرار گیرد. مخاطبان اصلی رتبه‌بندی والدین و دانش‌آموزان بالقوه مدرسه هستند، می‌تواند ابهامات آن‌ها درباره کیفیت را برطرف کند و اولویت‌های خود را در لابه‌لای نظام‌های رتبه‌بندی متفاوت بیابد. رتبه‌بندی مدارس در سال‌های اخیر توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. ابتدا چند پژوهش داخلی و سپس، چند پژوهش خارجی بررسی می‌شود.

مهدیخانی (۱۳۹۴) به منظور ارائه الگویی جهت ارزیابی عملکرد و رتبه‌بندی مدارس متوسطه دوره دوم، به مطالعه موردی در آموزش و پرورش شهرستان میانه پرداخته است. در این پژوهش برای بررسی عملکرد مدارس، سه شاخص آموزشی، پرورشی و اداری-مالی با زیرشاخص‌های آن‌ها بررسی شدند. نتایج نشان داد شاخص آموزشی به عنوان اثرگذارترین شاخص در حوزه ارزیابی عملکرد است. فلسفی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود با تحلیل محتوای منابع و نظرخواهی

1. Delprato & Chudgar

2. Horan & O'Regan

از اساتید صاحب نظر، به شناسایی منابع و تجهیزات مؤثر در رتبه‌بندی مدارس مقطع ابتدایی پرداخته‌اند و چهار مؤلفه امکانات آموزشی، ساختمان و کیفیت ساختمان مدرسه، منابع مالی و ایمنی و بهداشت را در رتبه‌بندی مدارس مقطع ابتدایی مؤثر دانسته‌اند.

مهرپور و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود، با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر در نظام رتبه‌بندی مدارس متوسطه دوره دوم و طراحی مدلی برای آن» به ۸ مؤلفه شامل امور آموزشی، امور حرفه‌ای، امور رهبری، امور ارزشیابی، امور سرمایه‌ای، امور پژوهشی، امور پرورشی و امور خدماتی دست یافتند. یافته‌ها نشان می‌دهد از دیدگاه مدیران، مؤلفه‌های پرورشی، آموزشی و حرفه‌ای در جایگاه نخست قرار دارند.

در اغلب پژوهش‌های داخلی، رتبه‌بندی‌ها بر اساس ارزیابی عملکرد انجام شده است. در حالی که ارزیابی عملکرد با هدف بهبود عملکرد انجام می‌شود و رتبه‌بندی به منظور ارائه اطلاعات صحیح برای مشتریان انجام می‌شود. عملکرد برحسب منابع، امکانات و روش‌های قانونی موجود ارزیابی می‌شود. برای مشتریان این نکته اهمیت دارد که اولویت آن‌ها برای فرزندشان در چه مدرسی یافت می‌شود و در این زمینه نیاز به اطلاعات صحیح دارند. بنابراین، مطلوب آن است که رتبه‌بندی بر اساس معیارهای موردنظر ذی‌نفعان برای انتخاب مدرسه بهتر انجام شود.

پژوهش‌های خارجی در حوزه رتبه‌بندی مدارس نیز قابل توجه هستند. بونیللا، لویز و مک‌میلان^۱ (۲۰۲۰) با مطالعه بر روی مدارس رتبه‌بندی شده ایالت شیکاگو، دریافتند مدارس با رتبه برتر و کیفیت خدمات آموزشی بالا، باعث افزایش بهای مسکن و حق بیمه منازل اطراف این‌گونه مدارس حتی تا شعاع ۱/۵ مایلی مدارس شده است. وایت و ون‌دایک^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی انتخاب مدارس و رتبه‌بندی بر اساس شاخص مدیریت مالی توسط دانش‌آموزان و والدین پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که بسیاری از دانش‌آموزان جوامع فقیرنشین ترجیح می‌دهند در مدارس مستقر در محیط‌هایی که وضعیت مالی بهتر دارند، ثبت‌نام کنند.

1. Bonilla, Lopez & McMillen

2. White & Van Dyk

اندرسون، بلوم و لیندزی^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی به مطالعه عملکرد ۷۰۱ مدرسه در سه ایالت کنتاکی، ماساچوست و ویرجینای آمریکا در سه حوزه دروندادها، فرایندها و بروندادها پرداخته‌اند. سپولودا^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی تعدادی از مدارس را بر اساس رشد تحصیلی، با توجه به میزان نمرات کسب‌شده دانش‌آموزان در آزمون «ارزیابی دانش و مهارت تگزاس»^۳ و تعداد دیگری از مدارس بر اساس ویژگی‌های شناختی دانش‌آموزان شامل قومیت، وضعیت اقتصادی و مهارت زبان انگلیسی رتبه‌بندی کردند.

فهرورازی^۴ و همکاران (۲۰۲۱) با رتبه‌بندی مدارس بر اساس نمره پذیرش آزمون ورودی و در نظر گرفتن معیارهایی چون نوع مدیریت مدرسه، توانایی تدریس معلمان، وضعیت اقتصادی-فرهنگی خانواده‌ها، انگیزه دانش‌آموزان، تسهیلات آموزشی و کیفیت فارغ‌التحصیلی به این نتیجه رسیدند بین معیارهای در نظر گرفته و رتبه‌بندی مدارس ارتباط مثبت وجود دارد. دلانی و دیوروکس^۵ (۲۰۲۱) در پژوهشی در زمینه رتبه‌بندی مدارس بر اساس کسب نمرات زبان خارجه و ریاضیات دریافتند هیچ‌یک از این دو ملاک، معیارهای مناسبی برای رتبه‌بندی نیست و علاوه بر ایجاد شکاف جنسیتی باعث عدم پذیرش تمام رشته‌های تحصیلی مورد نظر مدارس می‌شود. یافته‌های یادشده نشان می‌دهد شاخص‌های خیلی جزئی مانند نمره یک درس مناسب رتبه‌بندی نیستند، ولی شاخص‌های کلی‌تری مانند مدیریت مدرسه یا بروندادهای نهایی ملاک‌های بهتری برای رتبه‌بندی مدارس هستند.

در پژوهش‌های خارجی نیز عملکرد مدارس را بررسی کرده‌اند. به علاوه به تأثیرات اجتماعی نتایج رتبه‌بندی مدارس پرداخته‌اند و یافته‌های آن‌ها اهمیت و ضرورت رتبه‌بندی مدارس را نشان می‌دهند. در پژوهش‌های انجام‌شده، نگاه جامع به همه ابعاد مدارس نشده و برخی مؤلفه‌ها قابلیت تبدیل به رویکرد عددی و اندازه‌گیری را ندارند. همچنین، به‌ندرت از نظرات ذی‌نفعان در انتخاب معیارها توجه شده است. در عمل نیز امروزه مشاهده می‌شود اجرای همه ارزیابی‌های متنوع مانند

-
1. Anderson, Blom & Lindsay
 2. Sepulveda
 3. Texas Assessment of Knowledge and Skills (Taks)
 4. Fahrurrazi
 5. Delaney & Devereux

درجه‌بندی، رتبه‌بندی، ارزیابی عملکرد و کیفیت‌سنجی، از مجرای وزارت آموزش و پرورش به وسیله کارشناسان مختلف انجام می‌شود و ذی‌نفعان در جوامع محلی دخالتی در تعیین معیارها و اجرای رتبه‌بندی ندارند. در این پژوهش تلاش شده که در جهت ایجاد شرایط مشارکت ذی‌نفعان در تدوین معیارها و شاخص‌ها گام اساسی برداشته شود.

با بررسی کلی پژوهش‌های انجام‌شده، به نظر می‌رسد یکی از مسائل مهم درباره رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی، انتخاب معیارها و شاخص‌هایی است که دربرگیرنده ابعاد کلیدی این مدارس مطابق با اهداف و معیارهای نظام آموزشی کشور و انتظارات ذی‌نفعان باشد. اغلب پژوهشگران با استفاده از نظرات متخصصان، خبرگان و منابع علمی نسبت به انتخاب معیارهای رتبه‌بندی اقدام کرده‌اند. در حالی که در اغلب جوامع، آموزش و پرورش امری حاکمیتی تلقی می‌شود و نظام رتبه‌بندی مدارس و اطلاعاتی که در اختیار جامعه قرار می‌گیرد، نباید با چشم‌انداز، مأموریت، اهداف و ساختار نظام آموزش و پرورش در تعارض باشد. همچنین، یکی از نقاط محوری سازمان‌های امروزی در کنار اسناد کلیدی و مهم دولت‌ها، توجه به دیدگاه ذی‌نفعان است. ذی‌نفع، هر فرد یا گروهی است که می‌تواند بر راهبرد سازمان تأثیر بگذارد، مدیران حیاتی محیط سازمان هستند که بر تصمیم‌ها و عملکردهای سازمان تأثیر گذاشته و توان تغییر آن‌ها را دارند (ریکویر^۱ و همکاران، ۲۰۲۰)؛ و بر اساس نفوذ و قدرت تصمیم‌گیری و همچنین، علاقه و رغبت آنان در مشارکت فعالیت‌های سازمان به ذی‌نفعان پر قدرت و کم قدرت تقسیم‌بندی می‌شوند (پسکوئیر^۲ و همکاران، ۲۰۲۰) یا بر مبنای حیطة فعالیت و مشارکت آنان در سازمان به دو دسته ذی‌نفعان درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تقسیم می‌شوند (زردستی^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). قدرت ذی‌نفعان یکی از عوامل اصلی توانمندی یا تهدید در فرایند ایجاد و توزیع ارزش افزوده سازمان است. توازن رابطه قدرت مؤسسين و ذی‌نفعان سازمان یکی از عواملی که اغلب بررسی می‌شود و تعیین می‌کند که چگونه مؤسسه‌ها با ذی‌نفعان خود رفتار کنند (بونتورا^۴ و همکاران، ۲۰۱۹). این مهم است که اهداف، ارزش‌ها و باورهای ذی‌نفعان سازمان

1. Requier
2. Pasquier
3. Zardasti
4. Boaventura

درک و بررسی دقیق شوند، زیرا بر رعایت قوانین و مقررات و امنیت اطلاعات تأثیر می‌گذارند گرچه به دلیل سلیقه‌های گوناگون و درک متفاوت ذی‌نفعان از قوانین و مقررات سازمان، امکان ایجاد تنش میان آنان وجود دارد (ساموناس، دیلون و الماشرف^۱، ۲۰۲۰). به گفته شارون، همه ذی‌نفعان حضور مستقیم و مستمر در سازمان ندارند، لیکن این توانایی را دارند که با اثرگذاری روانی مثبت یا منفی بر سازمان در بلندمدت بر عملکرد سازمان اثر زیادی دارد. به طوری که روابط ضعیف با آن‌ها می‌تواند عواقب منفی بر عملکرد سازمان بگذارد و حتی باعث ورشکستگی شود (مرادی، ۱۳۹۵).

اگرچه ذی‌نفعان مدرسه مجموعه‌ای بزرگ و پیچیده را تشکیل می‌دهند و شناسایی کامل و تحلیل ارتباط آن‌ها با نظام آموزشی به‌آسانی ممکن نیست، گروه‌های دخیل در این زمینه می‌تواند شامل فراگیران، مدیران و سرپرستان مستقیم و غیر مستقیم، ارباب‌رجوع، دولت باشد (میرکمالی و سعادت‌تبار، ۱۳۹۴). از دیدگاه پینو و مور^۲ (۲۰۲۱) ذی‌نفعان در تعیین معیارهای مدیریتی نیز نقشی اساسی ایفا می‌کنند و با ارائه واکنش به دیدگاه‌های متفاوت و ایجاد چالش، باعث ایجاد فرصت‌ها و رویکردهای نوین در تصمیم‌گیری سازمان می‌شوند. جوامعی که خواستار دیدگاه ذی‌نفعان در رتبه‌بندی مدارس هستند، ابتدا باید ذی‌نفعان مؤثرتر خود را بشناسند، سپس، انتظارات آن‌ها از مدارس غیر دولتی را مورد توجه قرار دهند. تعدادی از ذی‌نفعان مهم مدارس غیر دولتی عبارت از ارکان پنج‌گانه مدرسه (مدیر، شورای مدرسه، شورای دبیران، انجمن اولیا و مربیان و شورای دانش‌آموزی) و کارشناسان مشارکت‌های مردمی ادارات آموزش و پرورش هستند.

پژوهش حاضر با تمرکز بر اسناد مهم و کلیدی آموزش و پرورش و همچنین، دیدگاه ذی‌نفعان به دنبال یافتن پاسخ این سؤالات است که:

۱. از دیدگاه ذی‌نفعان و اسناد بالادستی، چه معیارها و شاخص‌هایی برای رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی دوره دوم متوسطه نظری منظور شود؟
۲. الگوی مفهومی پژوهش از چه میزان مطلوبیت برخوردار است؟
۳. ترتیب اولویت معیارها از دیدگاه ذی‌نفعان چیست؟

1. Samonas, Dhillon & Almusharraf

2. Pineo & Moore

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگویی برای رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی با رویکرد ذی‌نفعان و اسناد بالادستی انجام شد. این پژوهش یک راهبرد ترکیبی از نوع اکتشافی متوالی بود که به صورت مطالعه موردی در شهر شیراز انجام گرفت. جامعه آماری ذی‌نفعان مدارس غیر دولتی شامل کارشناسان مشارکت‌های مردمی اداره آموزش و پرورش و ارکان پنج‌گانه مدرسه (مدیر، معلمان، اعضای شورای مدرسه، دانش‌آموزان و اولیا آن‌ها) در دوره دوم متوسطه نظری با سابقه حداقل سه سال تحصیل یا همکاری با مدارس غیر دولتی بود. مشارکت‌کنندگان بخش کیفی ۲۸ نفر از ذی‌نفعان، شامل کارشناسان مشارکت‌های مردمی اداره و اعضای ارکان پنج‌گانه مدرسه بود. انتخاب نمونه در بخش کیفی به روش نمونه‌گیری هدفمند و با تکنیک ملاک‌محور صورت گرفت. همچنین، ۲۱ سند بالادستی و کلیدی آموزش و پرورش نیز بررسی شد. نمونه‌گیری بخش کمی به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای^۱ انجام گرفت. جامعه آماری ذی‌نفعان (کارشناس، مدیر، دبیر، عضو شورای مدرسه، والدین و دانش‌آموزان) حدود ۲۵۵۰ نفر شد که بر اساس فرمول کوکران به روش تصادفی طبقه‌ای و با رعایت نسبت‌ها، ۳۳۳ نفر انتخاب و پرسشنامه بین آن‌ها توزیع شد. در مجموع، ۳۲۳ پاسخنامه کامل بود و در تحلیل آماری استفاده شد.

ابزار پژوهش بخش کیفی، در بخش میدانی، مصاحبه با مشارکت‌کنندگان و در بخش کتابخانه‌ای، بررسی اسناد بالادستی و مدارک کلیدی آموزش و پرورش بود. ابزار پژوهش بخش کمی پرسشنامه محقق‌ساخته بر اساس یافته‌های بخش کیفی بود. این پرسشنامه برای تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد، برای روایی پرسشنامه، ابتدا نسبت روایی محتوایی^۲ (CVR) محاسبه شد. میانگین گویه‌ها طبق نظر ۲۰ نفر از خبرگان و متخصصان ۰/۷۸ به دست آمد و چون بالاتر از حد نصاب ۰/۴۲ بود پذیرفته شدند، روایی کل پرسشنامه نیز با اندازه‌گیری واریانس استخراج^۳، میزان روایی همگرا^۴ محاسبه شد و برای تعیین پایایی، نیز پایایی ترکیبی^۵ محاسبه شد. پایایی ترکیبی (CR) در مدل‌های

1. Stratified Sampling
2. Content Validity Ratio (CVR)
3. Average Variance Extracted (AVE)
4. Convergent Validity
5. Composite Reliability (CR)

ساختاری معیار بهتر و معتبرتری نسبت به آلفای کرونباخ به شمار می‌رود، به دلیل اینکه در محاسبه آلفای کرونباخ درباره هر سازه تمامی شاخص‌ها با اهمیت یکسان وارد محاسبات می‌شوند، ولی در محاسبه پایایی ترکیبی شاخص‌ها با بارهای عاملی بیشتر اهمیت زیادتری داشته و باعث می‌شود مقادیر CR سازه‌ها، معیار واقعی‌تر و دقیق‌تری نسبت به آلفای کرونباخ باشد. طبق رابطه زیر روایی همگرا و پایایی ترکیبی برقرار بود.

$$CR > 0.7; CR > AVE; AVE > 0.5$$

تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از تحلیل مضمون، و تحلیل آماری بخش کمی با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و آزمون فریدمن انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

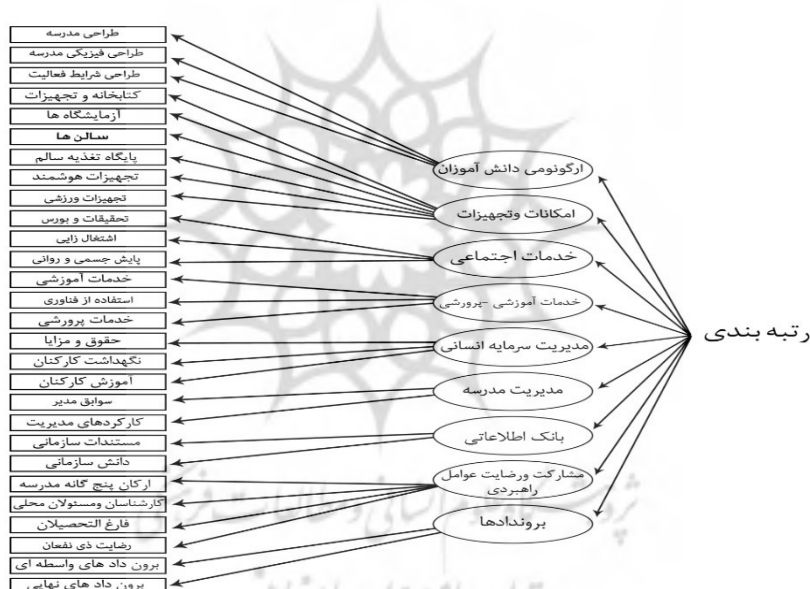
بر اساس پرسش‌های پژوهش یافته‌ها به شرح زیر است.

سؤال نخست: از دیدگاه ذی‌نفعان و اسناد بالادستی، چه معیارها و شاخص‌هایی برای رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی دوره دوم متوسطه نظری منظور شود؟

برای یافتن پاسخ این سؤال، مصاحبه با مشارکت‌کنندگان و بررسی کتابخانه‌ای اسناد بالادستی و مدارک کلیدی آموزش و پرورش انجام شد. تحلیل داده‌های کیفی به روش تحلیل تفسیری و با استفاده از تحلیل مضمون تا دستیابی به شبکه مضامین انجام شد. به این ترتیب که ابتدا نقل قول‌هایی از متن مصاحبه مشارکت‌کنندگان در مصاحبه با و همچنین، از متن اسناد بالادستی، اسناد و مدارک کلیدی آموزش و پرورش استخراج شد و در جدول‌های جداگانه‌ای کدگذاری اولیه به نقل قول‌ها انجام شد. در اقدام بعدی با کنار هم قراردادن کدهایی که مشابهت معنایی داشتند، مضامین پایه استخراج شد. سپس، بر اساس مشابهت‌های کاربردی مضامین پایه در مدرسه، هرچند مضمون پایه در قالب یک مضمون سازمان‌دهنده دسته‌بندی شد. در پایان، نیز مضامین سازمان‌دهنده در قالب یک مضمون فراگیر قرار گرفت. در مجموع، ۹ معیار و ۲۸ شاخص برای رتبه‌بندی مدارس به دست آمد. معیارهای به دست آمده از نظر ذی‌نفعان و اسناد بالادستی و مدارک کلیدی آموزش و پرورش

عبارت‌اند از ارگونومی دانش‌آموزان^۱، امکانات و تجهیزات^۲، خدمات اجتماعی^۳، خدمات آموزشی-پرورشی^۴، مدیریت سرمایه انسانی^۵، مدیریت مدرسه^۶، بانک اطلاعاتی (پایگاه داده)^۷، مشارکت و رضایت عوامل راهبردی^۸، برون‌دادها^۹.

پس از همسوسازی (سه‌سوسازی)^{۱۰} یافته‌های سؤال نخست با چارچوب‌های نظری، تحقیقات پیشین و شواهد کارشناسان و مشارکت‌کنندگان، الگوی مفهومی اولیه‌ای از معیارها و شاخص‌های رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی دوره دوم متوسطه نظری به دست آمد. در پایان، ارتباط عامل‌ها و شاخص‌ها با استفاده از نظرات متخصصان، بررسی شد. الگوی مفهومی پژوهش شامل ۹ معیار و ۲۸ شاخص در شکل ۱ مشاهده می‌شود.



شکل ۱. الگوی مفهومی رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی دوره دوم متوسطه نظری

1. Student ergonomics
2. Equipment and facilities
3. Social services
4. Educational services
5. Human capital management
6. School management
7. Data base
8. Participation and satisfaction of strategic
9. Output
10. Triangulation

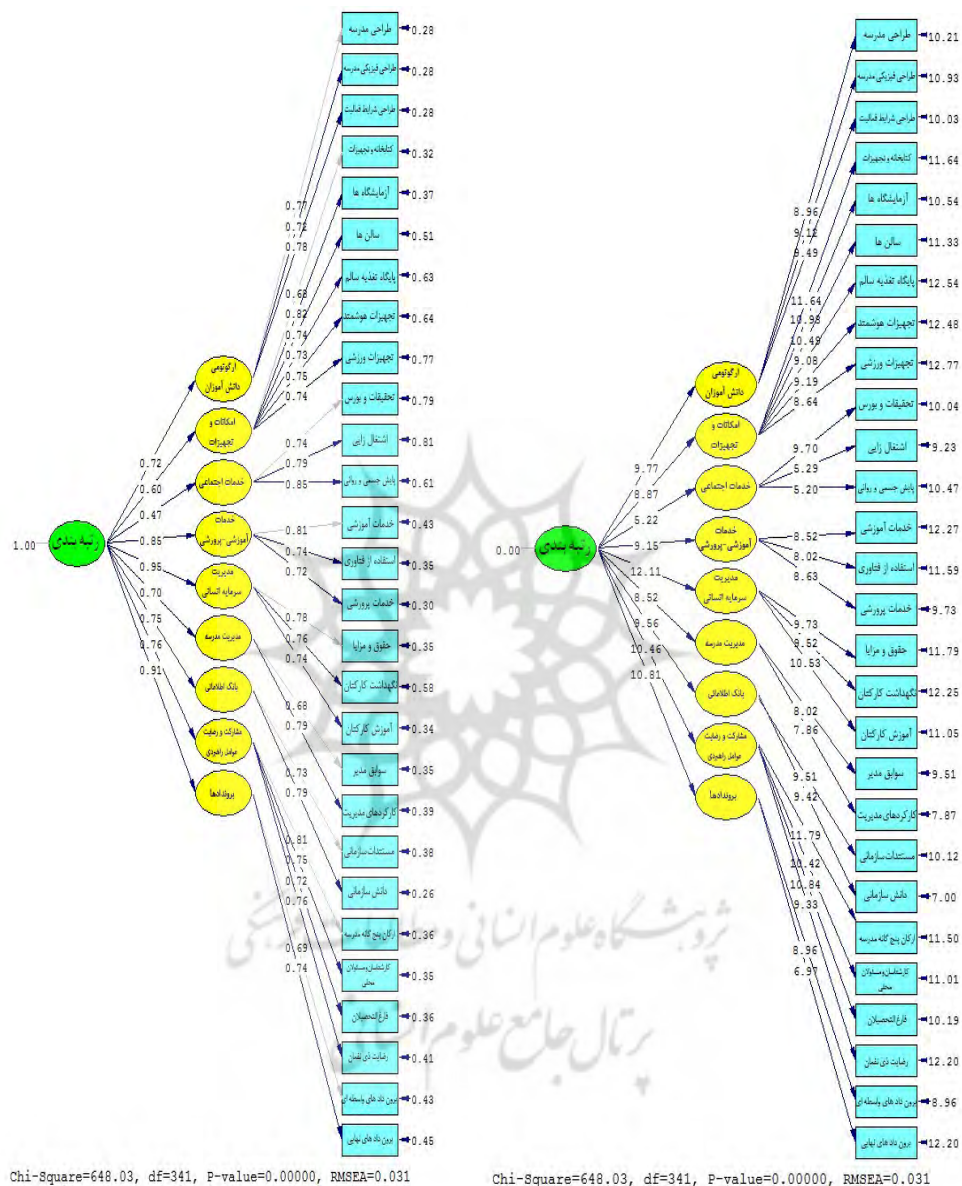
سؤال دوم: الگوی مفهومی پژوهش از چه میزان مطلوبیت برخوردار است؟

برای پاسخ این سؤال، به منظور تأیید عوامل شناسایی شده و تثبیت الگوی مفهومی، تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. بنابراین، پرسشنامه در اختیار نمونه آماری پژوهش قرار گرفت. برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف و همچنین، بررسی چولگی و کشیدگی داده‌ها استفاده شد. مقدار معناداری آماره K-S در تمامی معیارها بزرگتر از ۰/۰۵ و چولگی و کشیدگی در بازه (۲، -۲) قرار داشت؛ بنابراین، توزیع داده‌ها نرمال بود. تحلیل عاملی تأییدی به روش حداکثر درست‌نمایی در محیط نرم‌افزار لیزرل نسخه ۸/۸۰ انجام شد. همبستگی بین معیارهای مورد بررسی با استفاده از همبستگی فای در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱. ضرایب همبستگی بین معیارهای رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی دوره دوم متوسطه نظری

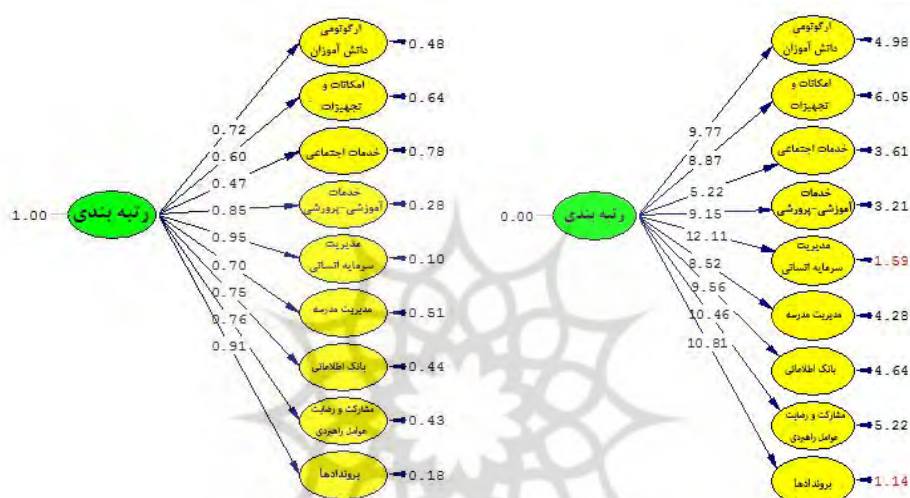
معیار ۹	معیار ۸	معیار ۷	معیار ۶	معیار ۵	معیار ۴	معیار ۳	معیار ۲	معیار ۱	
								۱	معیار ۱
							۱	۰/۴۳	معیار ۲
						۱	۰/۳۸	۰/۳۴	معیار ۳
					۱	۰/۴۰	۰/۵۱	۰/۶۱	معیار ۴
				۱	۰/۸۰	۰/۴۴	۰/۵۷	۰/۶۸	معیار ۵
			۱	۰/۶۶	۰/۵۹	۰/۳۳	۰/۴۲	۰/۵۰	معیار ۶
		۱	۰/۵۳	۰/۷۱	۰/۶۴	۰/۳۵	۰/۴۵	۰/۵۴	معیار ۷
	۱	۰/۵۷	۰/۵۳	۰/۷۲	۰/۶۴	۰/۳۵	۰/۴۶	۰/۵۴	معیار ۸
۱	۰/۶۹	۰/۶۸	۰/۶۴	۰/۸۶	۰/۷۷	۰/۴۲	۰/۵۵	۰/۶۵	معیار ۹

بر اساس جدول ۱ بیشترین همبستگی برابر ۱ بوده که بین هر معیار با خودش برقرار بوده است. پس از آن، بیشترین همبستگی (۰/۸۶) است که بین معیار پنجم (مدیریت سرمایه انسانی) با معیار نهم (بروندادها) و کمترین همبستگی (۰/۳۳) که بین معیار سه (خدمات اجتماعی) و معیار ششم (مدیریت مدرسه) بود؛ اما در مجموع، بین معیارها همبستگی مطلوبی بوده و همبستگی در کل ۰/۵ به بالا برای کل معیارها به دست آمد. مدل تأییدی رتبه‌بندی شاخص‌ها بر اساس مقادیر استاندارد شده بار عاملی و مقادیر تی در شکل ۲ مشاهده می‌شود.



شکل ۲. مدل تأییدی رتبه‌بندی شاخص‌ها بر اساس مقادیر استاندارد شده بار عاملی (سمت چپ) و بر اساس مقادیر تی (سمت راست) در نرم‌افزار لیزرل

همان‌گونه که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، بار عاملی تک تک گویه‌ها به تفکیک عامل مربوطه بالاتر از ۰/۳ و مقدار تی برای تک تک گویه‌ها به تفکیک عامل مربوطه بالاتر از ۱/۹۶ به دست آمده است. بنابراین، مدل از مطلوبیت خوبی برخوردار است. مدل تأییدی رتبه‌بندی معیارها بر اساس مقادیر استاندارد شده بار عاملی و مقادیر تی در شکل ۳ مشاهده می‌شود.



شکل ۳. مدل تأییدی رتبه‌بندی معیارها بر اساس مقادیر استاندارد شده بار عاملی (سمت چپ) و بر اساس مقادیر تی (سمت راست) در نرم‌افزار لیزرل

همان‌گونه که در شکل ۳ مشاهده می‌شود، بار عاملی تک تک معیارها در رتبه‌بندی بالاتر از ۰/۳ و مقدار تی نیز بالاتر از ۱/۹۶ به دست آمد؛ که گواه بر تأیید مدل ارائه شده می‌باشند. شاخص‌های برازندگی مدل رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی دوره دوم متوسطه نظری در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲. شاخص‌های برازندگی مدل رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی دوره دوم متوسطه نظری

شاخص	NFI	NNFI	GFI	CFI	IFI	RFI	RMSEA	df	
مقدار	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۰۳۱	۲۷	
مقدار قابل قبول	۰/۹ و بالاتر							کمتر از ۰/۰۵	

بر اساس جدول یادشده همه شاخص‌های برآزش در محدوده قابل قبول و به مقدار مطلوب به‌دست آمده‌اند، بنابراین، مدل پیشنهادی رتبه‌بندی، تأیید می‌شود.

سؤال سوم: ترتیب اولویت معیارها از دیدگاه ذی‌نفعان چیست؟

به‌منظور تعیین اولویت معیارهای رتبه‌بندی از دیدگاه ذی‌نفعان آزمون فریدمن انجام شد. نتایج این آزمون در جدول‌های زیر مشاهده می‌شود.

جدول ۳. آزمون معناداری فریدمن برای مقایسه میانگین رتبه‌های معیارها

ردیف	نوع آزمون	مقدار آماره	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	فریدمن	۶۸٫۲۹	۸	۰٫۰۰۱

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقدار آماره آزمون فریدمن برابر با ۶۸٫۲۹ به دست آمد که با درجه آزادی ۸ در سطح کمتر از ۰٫۰۱ معنادار است؛ بنابراین، میانگین رتبه‌های معیارهای رتبه‌بندی با یکدیگر متفاوت هستند.

جدول ۴. اولویت‌بندی معیارهای رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی دوره دوم متوسطه نظری

رتبه	متغیر	میانگین رتبه
۱	خدمات آموزشی و پرورشی	۵٫۵۷
۲	برونداها	۵٫۴۳
۳	ارگونومی دانش‌آموزان	۵٫۴۱
۴	مشارکت و رضایت عوامل راهبردی	۵٫۱۱
۵	مدیریت مدرسه	۵٫۰۹
۶	امکانات و تجهیزات	۵٫۰۷
۷	مدیریت سرمایه انسانی	۴٫۷۰
۸	بانک اطلاعاتی	۴٫۵۸
۹	خدمات اجتماعی	۴٫۰۴

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، معیارهای خدمات آموزشی و پرورشی، برونداها و ارگونومی دانش‌آموزان به ترتیب در اولویت‌های بالاتری قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

مدرسه مکانی انعطاف‌پذیر با حضور طیف‌های متنوع انسانی است که ضمن برخورداری از فضای کالبدی منطبق بر عملکرد آموزشی، قادر است با ایجاد فضای مطلوب روحی و عاطفی و توجه به بهداشت روانی همه افراد زمینه رشد و ارتقای دانش‌آموزان را فراهم کند. بنابراین، ضرورت دارد در رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی بر ابعاد مختلف محیط یادگیری و همچنین، نیازهای افراد تمرکز شود. همان‌طور که در الگوی مفهومی پژوهش مشاهده شد، از دیدگاه ذی‌نفعان، ۹ معیار و ۲۸ شاخص باید در رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی دوره دوم متوسطه نظری مورد توجه قرار گیرد. معیارها عبارت از ارگونومی دانش‌آموزان، امکانات و تجهیزات، خدمات اجتماعی، خدمات آموزشی و پرورشی، مدیریت سرمایه انسانی، مدیریت مدرسه، پایگاه داده، مشارکت عوامل راهبردی و بروندادهای مدرسه است. در اینجا چرایی و اهمیت هر یک از معیارها در رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی بررسی می‌شود. اساس و پایه یک مدرسه غیر دولتی باید با تمرکز بر ارگونومی دانش‌آموزان شکل گیرد. نیک‌نژاد و زارع کاسب (۱۳۹۰) نیز اعتقاد دارند با پیچیده‌تر شدن ساختار و عملکرد سازمان‌ها، سازمان‌دهی محیط کار و ایجاد محیطی آرام در سازمان‌ها به‌طوری که به فعال‌شدن بیشتر نیروی انسانی، شادابی آن‌ها، کاهش خطرات احتمالی، افزایش کیفیت کاری، کاهش افسردگی، رشد خدمات و دستیابی به بهره‌وری شود، از دغدغه‌های مدیران سازمان‌ها است.

در مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، تأمین کالبدی فضاهای تربیتی را از یک طرف، تعیین‌کننده و پاسخگوی نظری در امر طراحی فضا و تولید و تأمین تجهیزات و فناوری مبتنی بر فلسفه تربیت رسمی و عمومی متناسب با شرایط جسمی، روحی، جنسیتی، اقلیتی، برنامه درسی می‌داند و از طرف دیگر، تسهیل‌کننده فرایند یاددهی - یادگیری و تحقق اهداف تربیتی برای رشد و پیشرفت کشور بیان می‌کند. بنابراین، در زیرنظام تأمین فضا، تجهیزات و فناوری به اموری چون تنوع فضاها، اثربخشی و روزآمدی، تولید و تأمین تجهیزات و فناوری، زیباسازی و بانشاط سازی محیط درونی و بیرونی می‌پردازد. فلسفی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود، کیفیت ساختمان و ایمنی را شاخص مهمی در رتبه‌بندی می‌دانند.

معیار دیگر رتبه‌بندی، امکانات و تجهیزات است که به‌طور غیر مستقیم کیفیت آموزشی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. امکانات و تجهیزات نقش کلیدی در سواد دانش‌آموز هزاره سوم دارند زیرا برای کسب مهارت‌ها در ابعاد مختلف فرهنگی، رسانه‌ای، دیجیتالی، اطلاعاتی و غیره، دانش‌آموز باید با دسترسی به ابزارها بتواند، تحلیل و ارزیابی درست را انجام دهد تا قادر به خلق راهکاری بر پایه درک آگاهانه در زندگی فردی و اجتماعی خود باشد. در اغلب پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه رتبه‌بندی مدارس، امکانات و تجهیزات مورد توجه قرار گرفته‌اند. فهرورازی و همکاران (۲۰۲۱)، و فلسفی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶) نیز در رتبه‌بندی مدارس امکانات و تسهیلات را مورد توجه قرار داده‌اند.

معیار سوم خدمات اجتماعی است که در راستای انجام مسئولیت اجتماعی سازمان (CSR) انجام می‌گیرد و در وفادارماندن مشتریان و ذی‌نفعان به سازمان تأثیر بسزایی دارد. ذی‌نفعان انتظار دارند مؤسسان و مدیران مدارس غیر دولتی نقش تسهیل‌کننده در مسائل مهم آن‌ها داشته باشند. مدرسه به‌عنوان یک خرده‌نظام از اجتماع بزرگ انسانی، نمی‌تواند در جهت حفظ، مراقبت و کمک به جامعه‌ای که عضوی از آن است، بی‌تفاوت باشد. مسئولیت اجتماعی این نهاد ایجاب می‌کند که در جهت کمک به بهبود شرایط جامعه و حمایت گروه‌های خاص تا حد امکان قدم‌هایی بردارد، به‌علاوه اینکه در نهایت، رضایت و وفاداری مشتریان خود را به دنبال خواهد داشت. اگرچه شاخص‌های خدمات اجتماعی پژوهش حاضر در تحقیقات پیشین مشاهده نشد؛ ولی یافته‌های پژوهش ون‌دایک و وایت (۲۰۱۹) و بونیلا، لویز و مک میلان (۲۰۲۰) بر اهمیت آثار اجتماعی رتبه‌بندی مدارس دلالت دارند.

معیار چهارم یعنی خدمات آموزشی و پرورشی از وظایف اصلی آموزش و پرورش است و مدرسه به‌عنوان اساسی‌ترین کانون ارائه این خدمات است و حجم وسیعی از فعالیت‌های مدارس را به خود اختصاص می‌دهد. خدمات آموزشی و پرورشی پرچالش‌ترین حوزه در مدارس غیر دولتی دوره دوم متوسطه نظری است. اغلب والدین و دانش‌آموزان آشنایی کافی با انواع خدمات آموزشی و پرورشی دارند و یکی از دلایل انتخاب مدرسه غیر دولتی برای تحصیل فرزندانشان را انطباق این خدمات با انتظارات خود می‌دانند. دوره دوم متوسطه نظری به دلیل پیوند خوردن آن با آموزش عالی

برای دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان اهمیت خاصی دارد. بنابراین، یکی از مطالبات اصلی آنان در مقابل پرداخت شهریه به مدرسه، ارائه خدمات آموزشی و پرورشی باکیفیت مطلوب است. بیشترین تعداد نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های باز نیز در حوزه خدمات آموزشی و پرورشی بود، در پژوهش‌های مهرپور و همکاران (۱۳۹۸) و مهدیخانی (۱۳۹۴) شاخص‌های آموزشی در جایگاه نخست قرار گرفته‌اند.

مدیریت سرمایه‌های انسانی به‌عنوان معیار پنجم یکی از مباحث مهم سازمان‌ها در هزاره سوم است. معلمان و کارکنان توانمند در مدارس غیر دولتی که در فضای رقابتی فعالیت می‌کنند، شاخص قدرت و توان رقابتی مدرسه هستند و باید قادر به ایجاد تحول در مدرسه، حتی جامعه باشند. در مدارس غیر دولتی دوره دوم متوسطه نظری با سه گروه از معلمان مواجهیم. گروه نخست معلمان بازنشسته از آموزش و پرورش بخش دولتی هستند که به دلیل توانایی بالا در تدریس، محبوبیت و مقبولیت در بین خانواده‌ها و دانش‌آموزان، دعوت به کار در مدارس غیر دولتی می‌شوند. دوم، معلمان توانمند بخش دولتی است که به‌صورت اضافه‌کار در مدارس غیر دولتی کار می‌کنند و سوم تعداد اندکی نیروهای آزاد هستند که از بین متقاضیان تدریس در مدارس غیر دولتی گزینش شده‌اند. مدیریت سرمایه انسانی در مدارس باید به‌گونه‌ای باشد که دبیران توانمند و باتجربه نسبت به مدرسه احساس تعهد کنند و دانش و مهارت‌های خود را به افراد کم‌تجربه انتقال دهند و مدرسه را در صحنه رقابت یاری کنند. یافته‌های تحقیقات لازاروا و زاخارف^۱ (۲۰۲۰) بر حقوق و مزایای کارکنان تأکید دارد.

معیار ششم مدیریت مدرسه است، مدیریت اغلب به معنای خاص آن، یعنی مدیریت فعالیت‌های آموزشی و پرورشی که مستقیماً مرتبط با یادگیری و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان هست، مورد نظر است. بنابراین، از یک طرف، صلاحیت‌ها، توانایی و قابلیت‌های شخصی مدیران نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد مدرسه دارد و از طرف دیگر، کارکردهای مدیریت، تأثیر بسزایی در ارتقای کیفیت و جلب رضایت ذی‌نفعان دارد. مدیریت در مدارس غیر دولتی که در یک شرایط رقابتی هستند، اهمیت ویژه‌ای دارد. در کنار مدیریت سطح خرد که در موارد متعددی باید پاسخگوی مدیران بالادستی

باشند، باید بتواند فعالیت‌های ساخت‌وساز، درآمدها و هزینه‌ها، گزینش کارکنان و دبیران، حقوق کارکنان، آموزش آنان و غیره را نیز انجام دهند. در واقع، مدیریت یک مدرسه غیر دولتی از نوع مدیریت راهبردی است و باید کنترل شرایط و هدایت سازمان را به‌گونه‌ای انجام دهد که بتواند واکنش مناسب و سریعی در برابر تغییرات درونی و بیرونی مدرسه نشان دهد و برنامه‌های ارتقا برای آینده مدرسه را تدوین، اجرا و ارزیابی کند. حتی در شرایط مطلوب خود بتواند تغییردهنده محیط نیز باشد. یک مدیر مدرسه غیر دولتی برای بقا و ادامه حیات سازمان خود، رضایت مشتریان و کیفیت فارغ‌التحصیلان مدرسه باید برنامه داشته باشد. حتی یکی از وظایف مدیران این مدارس ترسیم چشم‌انداز و تدوین بیانیه مأموریت است. وظایف جدیدی از قبیل حمایت‌کردن از افراد، ارتباط برقرار کردن با جامعه و سازمان‌ها، انرژی‌بخشیدن به کارکنان و تفویض اختیار نیز برای آنها وجود دارد. بنابراین، صلاحیت‌ها، توانایی و قابلیت‌های مدیران نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد مدرسه دارد. همچنین، این معیار با یافته‌های فهرورازی و همکاران (۲۰۲۱) همسویی دارد.

معیار هفتم بانک اطلاعاتی مدرسه است که با تسهیل پردازش‌های متعدد نقش شایان توجهی در ظرفیت‌سازی، توسعه و تحول مدرسه دارد. سازمان‌های امروزی با انبوهی از اطلاعات و دانش متنوع مواجهند. در حالی که اطلاعات دقیق، مرتبط، دسته‌بندی‌شده، به‌هنگام و سریع، موردنیاز مدیران در تصمیم‌گیری است. بنابراین، بر کنترل راحت‌تر، دسترسی سریع‌تر و به‌روزکردن مناسب‌تر آنها، از اولویت‌های مهم مدیران سازمان‌دهی و دسته‌بندی اطلاعات و دانش موجود است. اهمیت این معیار با یافته‌های پژوهش اکتارینا^۱ و همکاران (۲۰۱۹) همسویی دارد.

معیار هشتم رتبه‌بندی، به مشارکت و رضایت عوامل راهبردی می‌پردازد. ارکان پنج‌گانه مدرسه شامل مدیر، شورای مدرسه، شورای دبیران، انجمن اولیا و مربیان و شورای دانش‌آموزی از عوامل راهبردی داخلی مدرسه هستند و کارشناسان اداره آموزش و پرورش، فارغ‌التحصیلان و جوامع محلی از عوامل راهبردی خارج از مدرسه هستند که ارتقای سطح مشارکت آنها، در مدارس غیر دولتی

اهمیت ویژه‌ای دارد. راهکار ۲ - ۱۳ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تأکید برافزایش کارآمدی شوراهای درون مدرسه با تفویض برخی اختیارات اداره مدرسه به آنان و فراهم کردن زمینه مشارکت بیشتر آن‌ها در فرایند تعلیم و تربیت دارد. در پژوهش‌های زیادی از جمله گرانزیرا و پیرا^۱ (۲۰۱۹) بر نقش مهم مشارکت تأکید شده است.

معیار آخر توجه به بروندهای مدرسه است. همه سازمان‌ها و نهادها با هر مأموریتی که دارند، در نهایت، باید بتوانند به جامعه خدمت کنند. دانش‌آموختگان مدارس و تخصص فارغ‌التحصیلان آن‌ها از جمله شاخص‌های معرف برونداد نظام آموزشی است. آموزش و پرورش به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد رسمی کشورها، نقش بسزایی در توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه دارند. بروندهای نظام آموزشی مانند دانش‌آموختگان مدارس و تخصص فارغ‌التحصیلان، بازیگران این نقش‌ها هستند. منظورکردن رشد تحصیلی و نمرات کسب‌شده دانش‌آموزان و بروندها در رتبه‌بندی مدارس با پژوهش‌های سپولودا و همکاران (۲۰۲۰)، و اندروسون، بلوم و لیندزی (۲۰۲۰) نیز همسویی دارد. البته یافته‌های دلانی و دیوروکس (۲۰۲۱) حاکی از آن است که نمره‌های یک یا دو درس معین شاخص مناسبی برای رتبه‌بندی نیست.

باید توجه کرد که مدرسه در شهر اسلامی فقط پاسخگوی نیازهای مادی نیست. بلکه از یک طرف، نیازهای مادی، معنوی و زیباشناختی را شامل می‌شود. مدارس باید در دو بعد اثرگذار، نخست در بعد ظاهری با کارکرد آموزشی و دوم از بعد محتوایی با دو وجه تربیتی و فرهنگی - اجتماعی مورد مطالعه و برنامه‌ریزی در بافت و کالبد محلات قرار گیرند (دل‌زنده، ذوالفقارزاده و جعفری‌ها، ۲۰۱۵). مدرسه به‌عنوان یک نهاد اجتماعی می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت و هویت دانش‌آموزان نقش بسزایی ایفا کند. اگرچه در طول تاریخ بیشترین سابقه مدرسه مربوط به ادب‌آموزی و انتقال دانش و معلومات به دانش‌آموزان بوده است و به دلیل اولویت‌داشتن جنبه‌های آموزشی، تحصیل در مدارس یکسان و به‌کاربردن روش‌های یکنواخت همراه با نظم و انضباط، قوانین و مقررات خشک و ارزشیابی‌های سخت، مورد پذیرش بود. اما واقعیت‌های اجتماعی جهان امروز نشان می‌دهد که

قرن ۲۱، رویکردهای سخت در نظام آموزشی چندان مورد استقبال جامعه نیست. در همین راستا، عوامل اجتماعی متعددی موجب افزایش گرایش مردم به مدارس غیر دولتی می‌شود. بنابراین، در رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی به ابعاد مختلف محیط یادگیری و همچنین، ذی‌نفعان توجه شود.

از طرف دیگر، نظام رتبه‌بندی، سهم ذی‌نفعان از نظام‌های آموزشی است که هدف آن شفاف‌سازی و ارائه اطلاعات قابل‌اعتماد به آنها است. رتبه‌بندی، یک اقدام مدیریتی در سطح ارشد، میانی یا عملیاتی در وزارت آموزش و پرورش نیست. یا اینکه یک نوع ارزیابی جایگزین و مستقل در نظام رسمی کشور به حساب نمی‌آید، بلکه یک ارزیابی مکمل برای نظارت و ارزیابی‌های درونی این نهاد است. این ارزیابی در حوزه رقابتی معنادار است و به معنای شناخت جایگاه یک مدرسه در مقایسه با سایر مدارس هم‌نوع است. بنابراین، در مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از نقش‌های مهم خانواده‌ها را نظارت بر کارکرد مدارس و ایجاد تشکیلات مردم‌نهاد برای توسعه کمی و کیفی نظام تربیت رسمی عمومی می‌داند.

والدین و دانش‌آموزان اصرار دارند که نقش فعالی در انتخاب مدرسه خود داشته باشند و برای ایفای درست این نقش نیاز به اطلاعات معتبری دارند. یکی از کانال‌های تأمین این اطلاعات، نتایج رتبه‌بندی مدارس است. در رتبه‌بندی‌های انجام‌شده در حوزه مدارس، نواقص و کاستی‌هایی مشاهده می‌شود. نخست اینکه در اغلب رتبه‌بندی‌ها تعدادی مدرسه را انتخاب کرده و آنها را رتبه‌بندی کرده‌اند. رتبه‌بندی ارزیابی نیست که هر روز توسط پژوهشگری تعدادی معیار انتخاب و مدارس رتبه‌بندی شود. باید هر نوع رتبه‌بندی در جامعه متولی خاصی از بین سازمان‌های مردم‌نهاد یا رسانه‌ها داشته باشند. خود را به جامعه معرفی کنند، اهداف را بیان کنند و برای سازمان مورد ارزیابی، معیارها و شاخص‌ها کاملاً معلوم باشد. همچنین، متولیان، پاسخگوی روش‌های جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آنها و نحوه انتشار نتایج در جامعه باشند و در بازه‌های زمانی مشخص اجرا شود. در غیر این صورت، پژوهش‌ها و رتبه‌بندی‌ها فقط نوعی بررسی محسوب می‌شوند؛ که مرتب‌کردن مدارس بر اساس وضعیت موجود را بیان می‌کنند. دوم اینکه در اغلب پژوهش‌ها، همه مدارس مورد ارزیابی رتبه‌بندی شده‌اند. بهترین رتبه‌ها و بدترین رتبه‌ها مشخص است، در حالی که برای مشتریان اهمیتی ندارد که در یک مدرسه با رتبه پایین چه می‌گذرد و یا اینکه چرا رتبه آن پایین است. در رنکینگ

فقط رتبه‌های بالا گزارش می‌شود، زیرا در انتخاب به مشتریان کمک می‌کند. به‌علاوه اینکه اعلام رتبه‌های پایین، مدارس متعددی را در معرض خطر خواهد داد؛ زیرا دیدگاه جامعه نسبت به این موضوع کاملاً روشن نیست که رتبه‌بندی بر اساس معیارهای معینی انجام شده و استنباط می‌کنند که عملکرد مدرسه ضعیف است؛ و سوم اینکه در برخی رتبه‌بندی‌ها، از کارت امتیازی متوازن و تحلیل پوششی داده‌ها برای رتبه‌بندی مدارس استفاده کرده‌اند. کارت امتیازی متوازن با یک دید کلی بر مجموعه عملکرد مدیران، با بررسی شرایط از شش بعد، بین راهبرد و اقدامات اجرایی سازمانی ارتباط برقرار می‌کند. در واقع، یک ابزار مدیریتی برای اجرای راهبرد و بستری مناسب برای شناخت قوانین و روابط علت و معلولی حاکم بر کسب و کار است. نتایج آن نیز به سازمان کمک می‌کند تا برنامه‌های عملیاتی خود برای اجرای راهبرد را استخراج کند و نتایج آن کاربردی برای مشتریان ندارد. تحلیل پوششی داده‌ها نیز یک روش برنامه‌ریزی خطی است که هدف آن مقایسه و ارزیابی کارایی است که با مقایسه دروندادها و بروندادها انجام می‌شود. در واقع، زمینه ارزیابی بهره‌وری است و نیاز مشتریان به اطلاعات را برآورده نمی‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر، مستقل از انتخاب تعدادی مدرسه، با تمرکز بر نظر ذی‌نفعان و اسناد بالادستی به معیارها و شاخص‌هایی در همه ابعاد مدرسه دست یافت. همچنین، معیارها و شاخص‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش، علاوه بر اینکه همه ابعاد مدرسه را مورد توجه قرار داده، شاخص‌های آن به‌راحتی در قالب رویکرد عددی قرار می‌گیرند که مانند نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در مناطق مختلف و در سطح کشور قابل اجرا و تکرار در بازه‌های زمانی مختلف است.

اگرچه هدف اساسی رتبه‌بندی ارائه اطلاعات مورد اعتماد به مشتریان بالقوه مدارس است، لیکن کاربردهای مهم دیگری نیز در حوزه مدیریتی دارد. از جمله اینکه رتبه‌بندی مدارس توسط جامعه محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد، موجب افزایش تعهد کارشناسان نوسازی در توجه به اصول ارگونومی خواهد شد و قبل از صدور مجوز تأسیس، شاخص‌ها و استانداردهای طراحی مدرسه، طراحی فیزیکی مدرسه، شرایط انجام فعالیت، امکانات و تجهیزات جدید بیشتری خواهد شد و مشکل بزرگ وضعیت نامساعد ساختمان‌های مدارس غیر دولتی بهبود چشمگیری پیدا می‌کند. همچنین،

آگاهی مؤسسان مدارس غیر دولتی از معیارها و شاخص‌های رتبه‌بندی مدارس و افزایش علاقه آنان نسبت به ارتقای رتبه مدرسه خود، موجب ایجاد رقابت و افزایش تعهد به رعایت استانداردها و تمرکز بر فراهم کردن شرایط مناسب برای کسب امتیاز بالاتر از معیارها و شاخص‌های رتبه‌بندی خواهد شد. علاوه بر آن، آگاهی مدیران مدارس غیر دولتی از معیارها و شاخص‌های رتبه‌بندی، موجب خواهد شد مرتب از خود بپرسد که «برای بهبود مدرسه در معیارها و شاخص‌های رتبه‌بندی چه باید کرد؟» بنابراین، تلاش و برنامه‌ریزی‌ها برای ارتقای مدرسه در معیارها و شاخص‌های رتبه‌بندی موجب افزایش کارایی و کیفیت مدرسه خواهد شد.

اغلب معیارهای به‌دست‌آمده در این پژوهش در حوزه مدارس غیر دولتی است؛ زیرا معیارهایی مانند طراحی مدرسه، بخش بزرگی از امکانات و تجهیزات، خدمات اجتماعی، انتخاب مدیر و معلمان، حتی بانک اطلاعاتی مدارس دولتی در حوزه اختیارات دولت است و تقریباً در سراسر کشور به‌طور یکسان عمل می‌شود و نمی‌توان همه این معیارها را در رتبه‌بندی مدارس دولتی به‌کار برد. بنابراین، پیشنهاد پژوهشی این است که با دیدگاهی متفاوت، معیارها و شاخص‌های نظام رتبه‌بندی مدارس دولتی نیز طراحی و تدوین شود. همچنین، بر اساس الگوی این پژوهش و در رساله دکتری مرتبط با این مقاله، یک «نظام رتبه‌بندی مدارس غیر دولتی» تدوین شده است. بنابراین، با توجه به نقش محوری دانشگاه‌ها به‌ویژه دانشگاه فرهنگیان در توسعه آموزش و پرورش کشور، پیشنهاد کاربردی این است که یکی از دانشگاه‌ها به‌عنوان مدعی‌العموم، متولی اجرای این نظام رتبه‌بندی شود.

منابع

- حسینی، رفیق، جمالی، اختر، تقی پور ظهیر، علی، و رهگذر، مهدی (۱۳۹۶). ساخت و تحلیل عاملی مدل اندازه‌گیری رتبه‌بندی مدارس متوسطه کشور. *تحقیقات مدیریت آموزشی*، ۸(۳۲)، ۶۳-۴۱.
- خانی‌زاد، رحیم، و منتظر، غلامعلی (۱۳۹۶). ارزیابی تطبیقی نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان. *سیاست علم و فناوری*، ۹(۳)، ۴۳-۳۱.
- دل‌زننده، علی، ذوالفقارزاده، حسن، و جعفری‌ها، رضا (۱۳۹۴). بازتعریف مدرسه محله و جایگاه آن در محوریت تعاملات فرهنگی-اجتماعی، محله اسلامی. *کنفرانس بین‌المللی انسان، معماری، عمران و شهر، تبریز، مرکز مطالعات راهبردی معماری و شهرسازی*.
- عبداللهی چهارده چریکی، میترا، و شاهی، سکینه (۱۳۹۶). بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر روی برنامه درسی: مطالعه موردی معلمان آموزش و پرورش کلان‌شهر اهواز. *علوم تربیتی*، ۲۴(۱)، ۲۲۶-۲۰۳.
- فلسفی‌نژاد، محمدرضا، دلاور، علی، زندی، فرزاد، فرخی، نورعلی، و عباس‌پور، عباس (۱۳۹۶). شناسایی منابع و تجهیزات مؤثر در رتبه‌بندی و ارزشیابی عملکرد مدارس مقطع ابتدایی در کردستان. *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۸(۱)، ۸۸-۷۱.
- مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). *شورای عالی انقلاب فرهنگی*. دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- مرادی، مجید (۱۳۹۵). نقش تئوری مشروعیت و تئوری ذی‌نفعان در مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها. *مدیریت مالی و حسابداری*، ۲(۴)، ۱۸۶-۱۷۴.
- معدن‌دار آرنی، عباس (۱۳۹۳). بررسی نقش نهادها، سازمان‌ها و افراد در توقف مدارس غیر دولتی از نظر مؤسسان و کارشناسان: بازسازی معنایی. *نوآوری‌های آموزشی*، ۱۳(۵۱)، ۹۶-۷۳.
- معدن‌دار آرنی، عباس، کاکیا، لیدا، و مؤذنی، بتول (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر توقف فعالیت مدارس غیر دولتی و ارائه راهکار برای آن. *تعلیم و تربیت*، ۱۱۵، ۱۲۶-۱۰۹.
- مهدیخانی، حامد (۱۳۹۴). *ارائه الگویی به‌منظور ارزیابی عملکرد و رتبه‌بندی مدارس متوسطه دوره*

- ۲ با استفاده از روش تصمیم‌گیری چندشاخصه ترکیبی ANP-DEMATEL در محیط فازی (مطالعه موردی: آموزش و پرورش شهرستان میانه). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
- مهرپور، مریم، سلیمانی، نادر، احمدی، غلامعلی، و صباحی، پرویز (۱۳۹۸). شناسایی عوامل مؤثر در نظام رتبه‌بندی مدارس متوسطه دوره دوم؛ و طراحی مدلی برای آن. *مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۸(۲۱)، ۲۱۷-۲۳۲.
- میرکمالی، سیدمحمد، و سعادت‌تبار، فهیمه (۱۳۹۴). بررسی میزان رضایت ذی‌نفعان از فرایند آموزش ضمن خدمت در سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران. *آموزش و توسعه منابع انسانی*، ۲(۷)، ۱۰۱-۱۲۳.
- نیک‌نژاد، امین، و زارع کاسب، معصومه (۱۳۹۰). ارگونومی از دیدگاه سازمانی و نقش آن در کارایی کارکنان. *کار و جامعه*، ۱۳۲ و ۱۳۳، ۹۹-۹۳.
- Anderson, T., Blom, E., & Lindsay, C. (2020). *Identifying high-performing schools for historically underserved students*. Urban Institute.
- Berends, M., Primus, A., & Springer, M. G. (2019). *Handbook of research on school choice*. Routledge.
- Boaventura, J. M. G., Bosse, D. A., de Mascena, K. M. C., & Sarturi, G. (2020). Value distribution to stakeholders: The influence of stakeholder power and strategic importance in public firms. *Long Range Planning*, 53(2), 101883, 1-18.
- Bonilla, M. L., Lopez, E., & McMillen, D. (2020). House prices and school choice: Evidence from Chicago's magnet schools' proximity lottery. *Regional Science*, 60(1), 33-55.
- Delaney, J. M., & Devereux, P. J. (2021). *High school rank in math and english and the gender gap in STEM*. Labour Economics.
- Delprato, M., & Chudgar, A. (2018). Factors associated with private-public school performance: Analysis of TALIS-PISA link data. *Educational Development*, 61, 155-172.
- Ee, J., Orfield, G., & Teitell, J. (2018). Private schools in american education: A small sector still lagging in diversity. *Working Paper*. Civil Rights Project-Proyecto Derechos Civiles.
- Fahrurrazi, F., Rohiat, R., Somantri, M., & Turdja'i, T. (2021, January). Biplot analysis for marking the quality of schools which compatible with national examination score. In *Journal of Physics: Conference Series* (Vol. 1731, No. 1, p. 012031). IOP Publishing.
- Granziera, H., & Perera, H. N. (2019). Relations among teachers' self-efficacy beliefs, engagement, and work satisfaction: A social cognitive view. *Contemporary Educational Psychology*, 58, 75-84.
- Horan, W., & O'Regan, B. (2021). Developing a practical framework of sustainability

- indicators relevant to all higher education institutions to enable meaningful international rankings. *Sustainability*, 13(2), 1-15.
- Kim, Y. (2018). The effects of school choice on achievement gaps between private and public high schools: Evidence from the Seoul high school choice program. *Educational Development*, 60, 25-32.
- Lazareva, O., & Zakharov, A. (2020). Teacher wages and educational outcomes: Evidence from the Russian school system. *Education Economics*, 28(4), 418-436.
- Oktarina, N., Widodo, J., Murwatiningsih, M., & Murniawaty, I. (2019). Electronic agenda (e-agenda) systems for keeping school archives in Indonesia: Is there a case in managing of archive through manual agenda system? *KnE Social Sciences*, 320-333.
- Pasquier, U, Few, R, Goulden, M. C, Hooton, S, He, Y., & Hiscock, K. M. (2020). "We can't do it on our own!"—Integrating stakeholder and scientific knowledge of future flood risk to inform climate change adaptation planning in a coastal region. *Environmental Science & Policy*, 103, 50-57.
- Pineo, H., & Moore, G. (2021). Built environment stakeholders' experiences of implementing healthy urban development: an exploratory study. *Cities & Health*, 1-15.
- Requier, F, Fournier, A, Rome, Q., & Darrouzet, E. (2020). Science communication is needed to inform risk perception and action of stakeholders. *Environmental Management*, 257, 109983.
- Samonas, S., Dhillon, G., & Almusharraf, A. (2020). Stakeholder perceptions of information security policy: Analyzing personal constructs. *Information Management*, 50, 144-154.
- Sepulveda, F., Bledsoe, C., Zipperlen, M., & Rose, R. (2019). Analysis of accountability ratings for elementary schools texas, usa: considering the school growth and students' demographics. *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*, 18(12), 240-257.
- White, C. J., & Van Dyk, H. (2019). Theory and practice of the quintile ranking of schools in South Africa: A financial management perspective. *South African Journal of Education*, 39(Supplement 1), s1-19.
- Zardasti, L., Yahaya, N, Noor, N. M., & Valipour, A. (2020). Quantifying reputation loss of pipeline operator from various stakeholders' perspectives—Part 1: Prioritization. *Loss Prevention in the Process Industries*, 63, 104034.